



آذر صادقپور جزو ۱۲ نفر از بانوانی است که از ۲۳ سال پیش همکاری خود را با مجتمع رعد آغاز کردند. او اینک انباشتی از تجربه برای ساختن و رشد و نمو یک نهاد مدنی را در توشه دارد. این گفت‌وگو از چند و چون این تجربه جویا شده است.

در گفت‌وگو با آذر صادقپور عنوان شد:

## فراز و فرودهای دفتر مشارکتهای مردمی

این نتیجه رسیده بودم که بچه‌هایی که به این مرکز می‌آیند با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند از ابتدا در کار گروه مددکاری مشغول به فعالیت شدم. وقتی که هنوز رعد شناخته شده نبود، توان‌یابان چگونه با فعالیت‌های این مرکز آشنا شدند و با آن ارتباط گرفتند؟

بچه‌ها به تدریج اضافه شدند. در آغاز به عنوان گروه بانوان از دوست و آشنا پرس و جو می‌کردیم و توان‌یابان را شناسایی می‌نمودیم. گروه بانوان اولین حضور بیرونی خود را از نمایشگاه بین‌المللی آغاز کرد. غرفه‌ای گرفتیم و با مردم به گفت‌وگو نشستیم. در صحبت با مردم سه موضوع را مطرح می‌کردیم. اول از اهداف رعد می‌گفتیم. این‌که مرکز رعد برای آموزش به افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی تشکیل شده و اگر فردی را با این مشخصات می‌شناسید به ما معرفی کنید. دوم از شرکت‌ها و مدیران کارخانجات می‌خواستیم که پس از طی دوره‌های آموزشی توسط توان‌یابان، به اشتغال

با آمدن خانم پناهی به عنوان مدیرعامل در دو سال قبل، به تشخیص ایشان دفتر مشارکتهای مردمی به منظور ایجاد تمرکز در ارتباط با خیرین راه‌اندازی شد

اول این ساختمان و سپس طبقات بعد به مرور ساخته شد. از آنجایی‌که قرار نبود در رعد کمک‌های مالی به توان‌یابان صورت بگیرد، گروه مددکاری راه‌اندازی شد تا با تشکیل صندوق قرض‌الحسنه در هزینه رفت و آمد توان‌یابان به رعد به آنها کمک کند و من چون به

لطفاً از آشنایی و نحوه شروع همکاری خود با مجتمع رعد بگویید؟

من آذر صادقپور هستم و از حدود ۲۳ سال قبل با مجتمع رعد آشنا شدم. من به همراه تعدادی از بانوان در خیریه کهریزک فعالیت می‌کردیم. بعد از مدتی به دعوت آقای منصوریان که آن زمان مدیرعامل رعد بودند دور هم جمع شدیم و توسط خانم اکبری که از دوستان بودند، به رعد پیوستیم و یک گروه ۱۲ نفره به عنوان گروه «همیاری بانوان» را تشکیل دادیم.

الگوی ما گروه بانوان نیکوکار کهریزک بود. آن زمان فقط یک اتاق کوچک در این ساختمان به ما تعلق گرفت. اولین بازارچه را در سال ۷۳ راه‌اندازی کردیم. در گروه همیاری بانوان، کارگروه‌های مختلفی تشکیل دادیم. گروه مددکاری، گروه مالی، گروه آموزشی که هر کدام از ما در یکی از این گروه‌ها شروع به فعالیت کردیم. هر دوشنبه با آقای منصوریان جلسه داشتیم و مشکلات پیش آمده را پیگیری و حل می‌کردیم. بالاخره طبقه



آنها کمک کنند و سوم این که از مردم می‌خواستیم کمک‌های نقدی و صدقات و نذورات خود را در اختیار رعد قرار دهند. هیچ‌وقت در اولین مرحله از کسی کمک مالی نمی‌خواستیم. اولین خواسته ما این بود که افراد دارای معلولیت را به ما معرفی کنند تا آن‌هایی که در کنج خانه‌ها پنهان شده‌اند بیرون بیایند، آموزش ببینند و به اشتغال برسند. البته هدف مرکز رعد در ابتدای راه‌اندازیش آموزش منجر به اشتغال برای افراد دارای معلولیتی بود که در جنگِ دچار معلولیت شده‌بودند ولی بعداً دایره پذیرش خود را گسترش داد و پذیرای همه جوانان دارای معلولیت شد.

گروه بانوان در حال حاضر چند نفر هستند و چه نوع ارتباطی با رعد دارند؟

گروه بانوان در حال حاضر حدود سیصد نفر هستند که درسه گروه فعالیت می‌کنند. گروه دائمی، گروه افتخاری و گروهی که هرزگاهی کمک‌هایی به ما می‌کنند.

گروه دائمی ۶۰ نفر هستند که هر هفته در روزهای دوشنبه در رعد جلسه دارند. گروه افتخاری، افراد تحصیل کرده‌ای مانند پزشکان و متخصصان، بازیگران، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران هستند که برنامه‌های افتخاری برای رعد برگزار می‌کنند. وجود این افراد برای ما مهم است و در مراسم‌های مختلف با ما همکاری دارند.

### دفتر مشارکت‌های مردمی از چه زمانی در رعد راه‌اندازی شد و چه وظیفه‌ای را بر عهده گرفت؟

با آمدن خانم پناهی به عنوان مدیرعامل در دو سال قبل، به تشخیص ایشان دفتر مشارکت‌های مردمی به منظور ایجاد تمرکز در ارتباط با خیرین راه‌اندازی شد. قبلاً هر فردی که می‌خواست کمک کند، یا به حسابداری می‌رفت و یا به روابط عمومی. در آنجا کارت عضویت ماهانه برایش صادر شده و مبلغی که به پیشنهاد خود او تعیین می‌شد، ماهانه از او دریافت می‌گردید.

مدیریت خیرینی که به رعد کمک‌هایی کرده‌بودند، اهمیت زیادی دارد، به همین دلیل واحد ویژه‌ای برای این کار تأسیس شد. وقتی به پیشنهاد خانم پناهی دفتر مشارکت‌های مردمی

**در راستای یکی از اهداف رعد که تغییر نگرش در مردم نسبت افراد دارای معلولیت است، کار با مدارس را شروع کردیم و گروهی به نام گروه مدارس، شامل گروه روانشناسی، مددکاری، آموزش، کارآفرینی و مشارکت‌های مردمی را تشکیل دادیم**

راه‌اندازی شد قرار شد همه این ارتباطات در این دفتر متمرکز شود و چون من قبلاً چنین پیگیری‌هایی را انجام داده بودم و با خیرین بسیاری آشنا بودم، خانم پناهی از من خواستند که مدیریت دفتر مشارکت‌ها را قبول کنم. من پیشنهاد ایشان را پذیرفتم و با همکاری تعدادی از بانوان این دفتر را اداره کنیم.

### شما دفتر مشارکت‌ها از چه تاریخی شروع به کار کرد؟

من از اردیبهشت ماه سال ۹۴ کارم در این دفتر را شروع کردم. با راه افتادن این دفتر به همه بخش‌های رعد اعلام شد که هر تلفن یا هر مراجعه از طرف خیرین را به دفتر مشارکت‌ها ارجاع دهند. در این دفتر بعد از پذیرایی و آشنایی اولیه با خیریه که مراجعه می‌کند، در مورد فعالیت‌های رعد توضیح داده می‌شود و بعد از بازدید از مجموعه و دیدار از کلاس‌های آموزشی، در مورد نوع همکاری که او مایل است با رعد داشته‌باشد از او سوال می‌شود.

در طول ماه افراد زیادی برای همکاری به ما مراجعه می‌کنند. مثلاً ممکن است جوانی بخواهد در گروه جوانان و یا خانمی بخواهد با گروه بانوان همکاری کند. برای آنها شرح داده می‌شود که گروه بانوان یا جوانان چه می‌کنند. عده‌ای علاقه‌مند به تدریس در بخش آموزش یا دانشگاه علمی کاربردی به صورت داوطلبانه هستند که با آنها هماهنگی‌های لازم صورت می‌گیرد. در مورد کمک‌های نقدی به خیرین توضیح می‌دهیم که چه تعدادی کارآموز و دانشجو مشغول به آموزش و تحصیل هستند و هر

کدام چه میزان هزینه لازم دارند و پیشنهاد می‌کنیم که اگر مایلند، به صورت ترمی یا سالی مخارج یک یا چند فرد دارای معلولیت را قبول کنند. این افراد فرم پر کرده و کارت عضویت دریافت می‌کنند و از پرداخت ۵۰۰۰ تومان در ماه تا هر چقدر که بخواهند را تقبل می‌کنند. افرادی که مایلند داوطلبانه در بخش آموزش فعالیت کنند را به این بخش ارجاع می‌دهیم و افرادی هم که بخواهند به صورت داوطلبانه یک یا دو روز در قسمت‌های مختلف کمک کنند را به دفتر مشارکت‌ها، دفتر مددکاری یا روابط عمومی یا سایر قسمت‌های اداری معرفی می‌کنیم. اگر فردی تخصص خاصی داشته‌باشد مثلاً پزشک باشد، می‌تواند هفته‌ای یک روز در اتاق پزشکان، توان‌یابان را ویزیت کند. اگر فردی صاحب آزمایشگاه تشخیص طبی باشد، آدرسش را می‌گیریم و توان‌یابان نیازمند به خدمات آزمایشگاهی را به آنها معرفی می‌کنیم.

حتی افرادی هستند که می‌خواهند نذورات خود را به مرکز بدهند، این امکان را هم برایشان فراهم می‌کنیم.

در سال دو مرتبه سبد کالا به خانواده‌های نیازمند می‌دهیم. خیلی از افراد علاقه دارند که در تامین این سبدهای کالایی شرکت داشته‌باشند. در حال حاضر ۳۲۰ کارآموز داریم که ۸۰ نفر از آنها تحت پوشش ما هستند. مددکاران ما از خانه‌های این افراد بازدید کرده و اگر به این نتیجه برسند که خانواده‌های آنها کم‌بضاعت هستند، تحت پوشش قرار می‌گیرند.

بعضی از کارآموزان هزینه رفت و آمد از منزل به مرکز را ندارند و سامانه حمل و نقل هم فقط یک یا دو روز به آنها ماشین می‌دهد و برای بقیه روزها به آنها هزینه رفت و آمد می‌دهیم. توان‌یابان تا وقتی که بتوانند شاغل شوند و حقوق بگیرند، شش ماه تا یکسال هزینه رفت و آمد دریافت می‌کنند.

بعضی از بچه‌ها نیاز به مصرف دارو دارند که پس از تایید دفتر مددکاری داروها را برایشان تهیه می‌کنیم. یک فرد دارای معلولیت ممکن است بیماری‌های مختلفی داشته باشد بنابراین مجبوریم با تمام سمن‌های

سلامت در تماس باشیم تا بتوانیم مشکلات آنها را حل کنیم.

یک صندوق اشتغال‌زایی هم تاسیس کردیم که از محل آن به بچه‌هایی که می‌خواهند کاری را شروع کنند وام می‌دهیم. با چندین صندوق قرض‌الحسنه همکاری داریم تا بتوانیم از آنها وام بگیریم و مشکلات توان‌یابانمان را حل کنیم.

گاهی افراد دارای معلولیت نیاز به عمل جراحی در بیمارستان را دارند ما سعی می‌کنیم که از طریق بیمه سلامت و بیمه خویش فرما آن‌ها را بیمه کنیم. مورد دیگر تهیه ویلچر برای توان‌یابان است. بهزیستی هر سه، چهار سال یکبار، یک ویلچر به بچه‌ها می‌دهد. ما سعی کرده‌ایم وقتی ویلچر بچه‌ها خراب می‌شود به آنها ویلچر مجانی بدهیم. با شرکت هستیما همکاری داریم و به آنها در بطری تحویل می‌دهیم و ویلچر تحویل می‌گیریم.

در جلسه هفتگی با گروه بانوان، وسایل مورد نیاز بچه‌ها را مطرح می‌کنیم که آنها یا خودشان یا از طریق دوستانشان این وسایل را تهیه می‌کنند. البته خیرینی هم به ما مراجعه می‌کنند و این نیازها را برطرف می‌کنند. خیرینی در خارج از کشور هم داریم که بعضی از نیازهای ما را پوشش می‌دهند. همه اینها به دلیل اعتمادی است که به رعده دارند.

نذورات خیرین را به مصرف همان چیزی که نیت کرده‌اند می‌رسانیم. آرزویمان این است که بتوانیم با تمام خیرین تماس تنگاتنگ داشته باشیم و در همه مراسم و جشنواره‌ها آن‌ها را دعوت کنیم.

**یکی از فعالیت‌های دفتر مشارکت‌ها تماس با مهدهای کودک و مدارس است. لطفا در این مورد هم توضیح دهید:**

در راستای یکی از اهداف رعده که تغییر نگرش در مردم نسبت افراد دارای معلولیت است، کار با مدارس را شروع کردیم و گروهی به نام گروه مدارس؛ شامل گروه روانشناسی، مددکاری، آموزش، کارآفرینی و مشارکت‌های مردمی را تشکیل دادیم. به مدارس مختلف می‌رویم و در جهت تغییر نگرش دانش‌آموزان به افراد دارای معلولیت با آنها کار می‌کنیم.

**دفتر مشارکت‌ها به روی همه باز است. کمک‌های همه را می‌پذیریم از خیرینی که به ما اعتماد کرده‌اند و چنین کمک‌هایی به ما می‌دهند کمال تشکر را داریم**

چند نفر از توان‌یابان موفق که سر کار رفته‌اند را به مدارس می‌بریم تا دانش‌آموزان به چشم خودشان ببینند که این توان‌یابان جدای از معلولیت جسمی چقدر از لحاظ فکری، ذهنی و هوشی کامل و موفق هستند. دانش‌آموزان هم خیلی دوست دارند که به رعده بیانند و در برنامه‌های ما شرکت کنند. هدف ما این است که در جهت تغییر نگرش جامعه نسبت به توان‌یابان فرهنگ‌سازی شود و دانش‌آموزان هم با کارآموزان رعده آشنا شوند.

دانش‌آموزان در روز نیکوکاری یا جشنواره غذا یا بازارچه، محصولات تهیه می‌کنند و می‌فروشند و درآمد آن را به مرکز رعده اهدا می‌کنند.

**با مدارس دولتی و با ادارات آموزش و پرورش هم در ارتباط هستید؟**

آموزش و پرورش سخت‌گیری‌های زیادی دارد. برای ارتباط با مدارس دولتی ابتدا باید مجوز بگیریم و مراحل اداری متعددی را طی کنیم. به همین دلیل ما به سراغ مدارس غیرانتفاعی می‌رویم چون این مدارس خیلی راحت‌تر با ما همکاری می‌کنند. امیدواریم روزی بتوانیم با مدارس دولتی هم چنین برنامه‌هایی را اجرا کنیم.

یکی از کارهای دیگری که دفتر مشارکت‌ها شروع کرده است، تقدیر و تشکر از حامیان برنامه‌های مختلف و خیرین است. حتی افراد و حامیانی که در سال‌های قبل با رعده همکاری داشته‌اند تماس گرفتیم و لوح‌های تقدیری از تولیدات کارآموزان مرکز به آنها تقدیم کرده‌ایم.

**آیا روش‌های کاری شما در اختیار مراکز رعده در شهرستان‌های دیگر هم قرار می‌گیرد؟**

بله. حتما این کار انجام می‌شود. من اهل قم هستم و شش سال پیش خیری به رعده مراجعه کرد و گفت می‌خواهد مکانی برای توان‌یابان قم بسازد. بر من واجب شد که با چند نفر از دوستانی که در قم داشتیم، شعبه رعده را در قم راه بیاندازم. خدا را شکر مرکز رعده قم در ساختمانی که از اینجا هم بزرگ‌تر است، راه افتاد و تمام الگوهایی که در رعده مرکز داشتیم را به‌وسیله گروه بانوان و از طریق دفتر توسعه مراکز رعده به آنجا فرستادیم. مرکز رعده الگویی شده که از شهرستان‌های مختلف می‌آیند و بعد از بازدید و آشنایی با فعالیت‌های آن، تقاضای ایجاد چنین مرکزی را در شهرستان خود می‌کنند. دفتر هماهنگی و توسعه رعده هم راه و روش‌ها را به آنها یاد می‌دهد و تا دو سال مشاوره می‌دهد. فرم‌های مختلف را در اختیارشان قرار می‌دهد و آنها به همین راه و روش کار را شروع و ادامه می‌دهند. خدا را شکر مرکز قم اکنون روی روال افتاده و مرکز کرمانشاه هم در حال کار است.

در دفتر مشارکت‌ها به روی همه باز است. کمک‌های همه را می‌پذیریم و از خیرینی که به ما اعتماد کرده‌اند و چنین کمک‌هایی به ما می‌دهند کمال تشکر را داریم.

